

(قرآن بر روی قلب انسان دارای تاثیر شگرفی است، و همه مسلمانان و غیرمسلمانانی که قرآن را شنیده‌اند، بر این مطلب شهادت می‌دهند تا آنجا که مشرکان مکه را بر آن می‌داشت که برای جلوگیری از آنکه زنان و فرزندان و مردم عادی آنها بشنوند و تحت **تأثیر** آن قرار گیرند، و به آن ایمان بیاورند، به هنگام **تلاوت** آیات قرآن سر و صدا و جار و جنجال به راه می‌انداختند. خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید: **وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ** (فصلت: ۲۶) ^۱

اما این روش ها فایده ای نداشت و روز به روز بر پیروان آن حضرت افزوده می شد. اینک به نمونه هایی از تأثیر گذاری آیات قرآن بر غیر مسلمانان اشاره می کنیم:

۱. اسلام آوردن شاعر نام آور عرب

طفیل بن عمرو از شاعران معروف عرب در زمان رسول خدا بود. وی در سال های نخستین بعثت برای زیارت خانه خدا وارد مکه شد. چند تن از بزرگان قریش پیش طفیل رفتند و وی را از سخنان محمد (ص) ترساندند. آنها گفتند که سخنان محمد (ص) مانند جادو است. میان انسان و کسان وی، بلکه میان انسان و خویشتن خویش جدائی می‌افکند و آنها می‌ترسند که اگر طفیل به او نزدیک شود، او و قومش از نفوذ سخنان محمد (ص) مانند مکینان دچار اختلاف و تفرقه شوند. به او نصیحت کردند که با رسول خدا سخن نگوید و از اساس سخنانش را نشنود. طفیل سخنان ایشان را شنید و به زیارت کعبه رفت. نزدیک کعبه محمد (ص) را دید با خود گفت: «تو مردی عاقل و شاعری، سخن خوب را از بد تشخیص می‌دهی. چه مانعی دارد که سخنان این مرد را بشنوی؟ اگر نغز و دلپسند بود که می‌پذیری و اگر زشت و ناروا بود از آن درمی‌گذری». پس از این، به نزد رسول خدا رفت و آنچه در خاطرش گذشته بود با وی در میان نهاد. پیامبر، آیات قرآن را برای او خواند. آیات قرآن چنان در وی اثر گذاشت که همانجا مسلمان شد. با پیامبر اکرم بیعت کرد و به نزد مردم خود بازگشت. آنقدر کوشید تا بیشتر مردم قبیله خود را به مسلمان کرد. وی سرانجام در جنگ یمامه به شهادت رسید ^۲.

۲. ماجرای مسلمان شدن ۲۵ مسیحی با تلاوت استاد غلوش

استاد راغب مصطفی غلوش از قاریان قرآن در خاطرات خود می گوید:

«...در مسافرتی که به برخی از کشورهای اروپایی داشتیم، در فرانسه و لندن و سپس در آمریکا و کانادا به تلاوت قرآن پرداختیم. در این مجالس و محافل تعدادی از شنوندگان مسیحی بودند که پس از استماع تلاوت قرآن، ۲۵ نفر از آنان مسلمان شدند. این عده با رئیس مرکز اسلامی، «محمد رئوف» تماس گرفته، اظهار داشتند که با شنیدن تلاوت قرآن، مسلمان شده اند.» ^۳

۳. مسلمان شدن آمریکایی ها پس از شنیدن تلاوت استاد عبدالباسط

عبدالباسط در زندگی نامه ی خود می گوید :

^۱ قرآن منشور زندگی، ص: ۲۶۲

^۲ تاریخ قرآن (رامیار)، متن، ص: ۲۱۵-۲۱۴

^۳ قاریان نور - «زندگینامه استاد راغب مصطفی غلوش» زینب قنبری <http://www.hawzah.net/Per/Magazine/mn\۰۱۲\mn۰۱۲۰۲.htm>

"من به ۱۴ ایالت از ایالات آمریکا که در آنها مراکز مسلمین وجود داشت سفر کرده‌ام که تعداد زیادی از مسلمین در این مراکز هستند. از فضل خدا، در همه کشورها موفق بودم. در لوس آنجلس ۶ نفر پس از شنیدن تلاوت قرآن کریم اسلام آوردند؛ در اوگاندا ۹۲ نفر. در آنجا دو مجلس داشتم: در یکی ۷۲ نفر از آنها و بقیه در مجلس دوم اسلام آوردند. حتی یک خانم گوینده تلویزیون همراه من بود که در آخرین روز خواست دستم را ببوسد و من متأثر شدم ولی نپذیرفتم. او تقاضا کرد به حج برود. به اوگاندائی‌ها گفتم اگر اجازه بدهید، بگذارید این خانم امسال به مسافرت حج برود. پس از آن، خواست که نامش را تغییر دهد، من نام "آمنه" را برایش انتخاب کردم".^۴

۴. اسلام آوردن مستشار نظامی دولت انگلیس

پیکتال^۵ از مترجمان پرآوازه انگلیسی قرآن کریم است. این فرد سال‌ها در حیدرآباد پاکستان مستشار نظامی دولت انگلیس بوده است. او در تحولی ناگهانی مسلمان می‌شود و آن چنان دل‌باخته قرآن می‌گردد که تصمیم می‌گیرد در راه خدمت به قرآن تلاش کند. پیکتال شرح ماجرای گرایش به قرآن و اسلام آوردن خود را در آغاز ترجمه انگلیسی خود از قرآن این چنین بیان می‌کند:

« من از سوی دولت انگلیس مأمور به خدمت در حیدرآباد بودم. در طبقه پایینی که زندگی می‌کردم مسلمانی می‌زیست که هر روز صبح کلمات دلنشینی را با صدای حزین می‌خواند. این کلمات آن چنان من را به هیجان می‌آورد و از خود بی‌خود می‌کرد که محو شنیدن آن می‌شدم. از مطالب آن چیزی نمی‌فهمیدم، اما حالت خاصی به من دست می‌داد و گاه سیل اشک از دیدگانم جاری می‌شد. کنج‌کاو شدم ببینم این کلمات چیست. با پرس و جو دانستم که آیاتی از کتاب آسمانی است، اما افسوس که عربی نمی‌دانستم تا معانی آن را بفهمم. همین‌انگیزه مرا وا داشت تا عربی بیاموزم. یاد گرفتن عربی و مطالعه قرآن، مرا با حقایق آن آشنا ساخت تا این که مسلمان شدم. جاذبه‌ای در سخن قرآن بود که موجی از لطافت روحی و معنوی را فراهم می‌کرد که در سخن بشری هرگز دیده نمی‌شود...»^۶



^۴ <http://article.tebyan.net/۴۲۸۸۴> زندگینامه خود نوشت استاد عبدالباسط

^۵ pikthal

^۶ مجله بشارت، شماره ۱۵، ص ۲۴

۱. پیشگویی درباره جنگ بدر

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَهَ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ^۱
و [به یاد آرید] هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه، [کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود و شما دوست می داشتید که کاروان [غیر مسلح] برای شما باشد [و بر آن پیروز شوید]؛ ولی خداوند می خواهد حق را با کلمات خود تقویت و ریشه کافران را قطع کند؛ [از این رو شما را برخلاف میلان با لشکر قریش درگیر ساخت و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد تا حق را تثبیت کند و باطل را از میان بردارد؛ هرچند مجرمان کراحت داشته باشند].

این آیه به مؤمنین وعده غلبه و پیروزی بر دشمن و از بین رفتن کفار را داد. با این که مسلمانان در آن روز از نظر تعداد لشکر و وسایل جنگ، ضعیف و در اقلیت بودند، تا جایی که در میان آنان تنها مقداد و زبیر بن عوام، سواره و بقیه همه پیاده بودند و در برابر آنان کفار در اکثریت و از نیروی بیش تری برخوردار بودند و به طوری که قرآن بیان می کند، کفار آن چنان دارای نیرو و قدرت بودند که مؤمنین از جنگ با آنان در ترس و وحشت به سر می بردند ولی خداوند در این آیه اراده خویش را به مسلمانان اطلاع داده است که او می خواهد حق را بر باطل پیروز گرداند و به وعده اش وفا نمود و مسلمانان را بر دشمنان پیروز و کفار را ریشه کن ساخت.^۲

۲. غلبه روم بر ایران

«غُلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يُؤْمِنُ الَّذِينَ يُنْصَرُّونَ بِاللَّهِ يُنْصَرُّ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ وَ عَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۳

رومیان مغلوب شدند در نزدیک ترین سرزمین. و آنان پس از آن که مغلوب شدند بزودی پیروز شوند در چند سال. کار و فرمان از پیش و از پس خدای راست. و در آن روز مؤمنان شاد شوند. به یاری خدا؛ هر که را خواهد یاری دهد. و اوست توانای بی همتا. وعده خداست؛ خدا وعده خویش خلاف نکند ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

دولت مسیحی روم در برابر دولت ایران در جنگ های سختی که سال ۶۱۴ م میان آن دو واقع شد شکست خورد. کفار با کنایه به مسلمانان می گفتند هم چنان که ایران بر روم پیروز شد ما نیز بر شما پیروز خواهیم گشت. در پی این تبلیغات آیات مذکور نازل شد و در آن خداوند به مسلمانان خبر داد که دولت روم در چند سال آینده در جنگ با ایرانیان پیروز خواهد شد. زمانی که این آیه نازل شد کسی گمان نمی کرد در آن مدت کوتاه رومیان بر ایرانیان پیروز شوند. زیرا شرایط چیز دیگری را نشان می داد؛ سپاه روم بر اثر جنگ های سخت و پی در پی ناتوان شده به طوری که در سرزمین خود مورد هجوم قرار گرفته بود. عبارت «فِي أَدْنَى الْأَرْضِ» در آیه شریفه به همین حقیقت اشاره دارد. منظور از «ادنی الارض» (سرزمین نزدیک) سرزمین ایرانیان بوده است؛ یعنی در محلی واقع شد که نزدیک ترین نقطه میان ایران و روم بود.^۴ از سوی دیگر، دولت ایران در آن زمان بسیار قدرتمند بود و پیروزی های به دست آمده توان و قدرت آن را دو چندان ساخته بود. به حکم ظواهر، کمر راست کردن رومیان و پیروزی ایشان بر ایرانیان محال به نظر می آمد؛

۱. سوره انفال، ۷.

۲. بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ص: ۱۰۹.

۳. سوره روم، ۲-۶.

۴. بابایی، احمد علی. برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ: سیزدهم، ۱۳۸۲. ج ۳، ص ۵۲۱.

اما پیش‌بینی قرآن در سال ۶۲۲ میلادی، مطابق با سال دوم هجری، محقق گشت.



۳. فتح مکه

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ^۵

کسیکه [ابلاغ] قرآن را بر تو واجب کرده به یقین تو را به محل بازگشت [مکه] خواهد داد.

این آیه هنگامی نازل شد که پیامبر به دلیل فشارهای شدید کفار و عدم توانایی مسلمانان در مقابله با آنان از مکه خارج شده بود و در حال هجرت به سوی مدینه بود.

هشت سال طول نکشید که پیامبر اسلام با یک سپاه عظیم و از موضع قدرت وارد مکه گردید و مکه بدون خونریزی فتح شد و وعده الهی تحقق پیدا کرد.^۶



۵ (۳) - سوره قصص، آیه ۸۵

۶ سیری در علوم قرآن، ص: ۱۸۷